

The Effect of Election Cycles on the size of Government in Politically Developed and Politically Developing Selected Countries

Abolfazl Shahabadi *

Fatemeh Bideh*** Ali Moradi **

Abstract

This study, inspired by Peacock and Wiseman's theory, attributes government size to political factors. The current study aims to analyze the effect of election cycles (election year, government ideology, Coalition and minority government) on government of size in selected developed and developing countries over the period (2002-2018). Statistical society includes twelve developing countries as a sample group and twelve developed countries as a control group. The research model has been estimated by using panel data and the generalized method of moments (GMM). The results showed that the election year and Coalition has had a positive and significant in both groups of selected countries on government of size. The minority government has had a negative and significant in both groups of selected countries on government of size. However, the effect of government's ideology index on government of size index in developed countries has had a positive and significant, while it was insignificant in developing countries. Furthermore, controlled variables, economic growth, openness of the economy, degree of urbanization and the index of misery on government of size were positive and significant. The effect of natural resource abundance on the size of government has been positive and significant in developing countries, while it was insignificant in developed countries.

Keywords: Election Year, Government Ideology, Coalition, Minority Government, Government of Size.

JEL Classification: H11, D72, C23.

Citation Shahabadi, Abolfazl; Moradi, Ali & Bideh, Fatemeh (2021). The Effect of Election Cycles to the Government of Size in Politically Developed and Politically Developing Selected Countries, 4(1), 347-373.

* Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Social Science and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), a.shahabadi@alzahra.ac.ir.

(Corresponding Author), a.shahabadi@alzahra.ac.ir.

** M.A of Change Management, Department of Management, E-Campus Branch, Islamic Azad University, Iran.

***M.A of Economics, Department of Economics, Faculty of Management, Arak Branch, Islamic Azad University, Iran.





تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه سیاسی

ابوالفضل شاه‌آبادی *

علی مرادی ** فاطمه بیده ***

چکیده

این تحقیق با الهام از نظریه پیکاک و وایزمن که اندازه دولت را به تحولات سیاسی و انگیزه‌های احزاب سیاسی نسبت می‌دهد، سعی دارد تا اثر چرخه‌های انتخاباتی (سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف و دولت اقلیت) را به مثابه متغیر سیاسی بر اندازه دولت در دو گروه از کشورهای منتخب شامل دوازده کشور توسعه یافته سیاسی و دوازده کشور در حال توسعه سیاسی طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۲ بررسی کند. برای این منظور مدل تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم یافته به تفکیک دو گروه از کشورهای منتخب برآورد گردید که نتایج نشان داد سال انتخابات و ائتلاف در هر دو گروه از کشورهای منتخب، بر اندازه دولت اثر مثبت و معنادار و دولت اقلیت در هر دو گروه از کشورهای منتخب، اثر منفی و معناداری دارد. با این حال، اثر شاخص ایدئولوژی دولت بر اندازه دولت در کشورهای منتخب توسعه یافته سیاسی مثبت و معنادار و در کشورهای در حال توسعه سیاسی بی‌معناست. همچنین اثر متغیرهای کنترلی رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، میزان شهرنشینی و شاخص فلاکت بر اندازه دولت در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است. در عین حال، تأثیر متغیر فراوانی منابع طبیعی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب در حال توسعه سیاسی، مثبت و معنادار و در کشورهای توسعه یافته سیاسی بی‌معناست.

کلید واژه‌ها: سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، دولت اقلیت، اندازه دولت.

طبقه بندی JEL: H11, D72, C23.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
a.shahabadi@alzahra.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران.

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت تحول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره اول، ۳۴۷-۳۷۳.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



مقدمه

در مکاتب اقتصادی از نقش‌های متعددی مانند قانون‌گذاری، تخصیصی، هدایت‌گری، ثبات‌بخشی و عدالت‌خواهی برای دولت سخن به میان آمده که تحقیق حاضر در چارچوب نظریه حکمرانی خوب (Good Governance Theory)، بر نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی دولت در اقتصاد بر مبنای خواست‌ها و نیازهای جامعه تأکید دارد و چون هرگونه ایفای نقش دولت هزینه‌بردار است، از نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی (Government expenditure (% of GDP)) به عنوان سنجش اندازه دولت (Government of Size) یاد می‌شود که تغییرات آن می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع تأثیر مختلفی بگذارد؛ از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر آن همواره یکی از دل‌مشغولی‌های اقتصاددانان بوده است.

از سویی، نیک می‌دانیم که انتخابات، مرحله‌ای زودگذر و درعین حال حائز اهمیت در فرایند توسعه سیاسی جوامع است؛ اما اگر این مرحله با سیطره ملاحظیات سیاسی بر منطق اقتصادی همراه شود و دولتمردان با اهداف عوام‌فریبانه و کسب آرای بیشتر، به اتخاذ سیاست‌های انبساطی روی بیاورند و بار مخارج دولت را افزایش دهند، تبعات آن می‌تواند بر فرایند رشد اقتصادی پیامدهای منفی و مخرب برجای گذارد.

با این حال، پژوهش و کاوش نگارندگان این مقاله نشان داد که مطالعه علمی و نظام‌مند این موضوع با استفاده از داده‌های تجربی سابقه ندارد. براین اساس، اظهارنظر دقیق و روشن درباره این موضوع دست‌کم برای مقاصد سیاست‌گذاری مشکل است؛ از این رو، تحقیق حاضر با بررسی تأثیر چرخه‌های انتخاباتی (Election Cycles) بر اندازه دولت در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه سیاسی سعی نمود این شکاف تحقیقاتی را پوشش دهد و با گزارش نتایج به‌دست آمده در قالب توصیه‌های سیاسی، به بهبود فرایند سیاست‌گذاری در بخش عمومی کمک کند.

در ادامه، به‌منظور دست‌یابی به اهداف مدنظر، ابتدا مبانی نظری اندازه دولت و چرخه‌های انتخاباتی بیان شده است، سپس سازوکار تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۴۹

دولت تبیین و پیشینه داخلی و خارجی تحقیق مرور شده است. پس از آن، مدل تحقیق برآورد و نتایج به دست آمده بحث و بررسی شده است. در پایان نیز چند توصیه مبتنی بر سیاست‌گذاری پیشنهاد شده است.

چارچوب نظری

اندازه دولت

دولت از پایدارترین هستی‌های (Entity) زندگی اجتماعی و از اثرگذارترین نهادهای تاریخی است که از یک سو تعریف نسبتاً روشن، موجه و معتبری از آن وجود ندارد و از سوی دیگر چون وجود دارد و زندگی اجتماعی بشر را کم و بیش متأثر ساخته است، گریزی از کاربرد و تعریف آن نیست (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۵۸). ناگزیر، تحقیق حاضر از تعریف وبر برای مفهوم دولت استفاده کرده که هرچند مناقشه‌آمیز است؛ اما بسترساز اجماعی شگرف بر سر تعریف دولت شده و بیشتر اندیشمندان و پژوهشگران در مطالعات خود بر عناصر مورد اشاره وی تأکید می‌کنند. وبر دولت را مجموعه‌ای از نهادها می‌داند که با ابزارهای خشونت و اجبار سروکار دارد و قلمرومند و انحصارآفرین است (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۶۳).

یکی از موضوعات مورد توجه محققان در مباحث مربوط به دولت، اندازه دولت است که تحقیق پیش‌رو نیز بر آن تمرکز کرده است؛ زیرا هرچند نقش دولت در تنظیم مناسبات اقتصادی و عدالت اجتماعی انکارناپذیر است؛ اما افزایش اندازه دولت به گونه‌ای که عرصه را برای شکوفایی اقتصادی ناشی از مشارکت حقیقی مردم تنگ کند و دولت یکه‌تاز و قبضه‌کننده امور (State – Captured) در عرصه‌های کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی باشد، مضر تلقی می‌شود؛ چون گسترش اندازه دولت از یک سو موجب کاهش بازده مخارج دولتی، خروج سرمایه‌گذار خصوصی، پسرفت‌های فنی و کاهش رقابت‌پذیری بین‌المللی می‌گردد و از سوی دیگر، با افزایش هزینه‌های دولت در نقش جزئی ناکارآمد، موجب اخذ مالیات بیشتر شده که نتیجه آن کاهش درآمد قابل تصرف بنگاه‌ها و خانوارها، کاهش مصرف، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش بیکاری است (Afonso & Jalles, 2011: 4).

اندازه دولت نیز برحسب تعاریف گوناگون متفاوت است و از شاخص‌های متعددی برای سنجش آن استفاده می‌شود که عبارتند از: نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی (GDP)، نسبت منابع شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی و نسبت بودجه شرکت‌های دولتی به بودجه کل کشورها. در این بین، تحقیق حاضر از شاخص نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی استفاده کرده که میزان «قبضه کردن امور» اقتصادی و اجتماعی توسط دولت را نشان می‌دهد. به تعبیری، این شاخص، سهم دولت از بهره بزرگی به نام تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد و مابقی آن سطح بازبودن فضای کسب و کار و فعالیت بخش های غیردولتی است. ضمن اینکه مطالعه پیش‌رو یک تحقیق بین کشوری است و داده‌های شاخص مورد استفاده برای کلیه کشورهای منتخب طی دوره مورد مطالعه توسط بانک جهانی اندازه‌گیری شده و در بازه زمانی سالانه به صورت منظم در دسترس است.

چرخه‌های انتخاباتی

چرخه‌های انتخاباتی شاخه‌ای از نظریه انتخاب عمومی است که از طریق مطالعه چرخه‌های تجاری - سیاسی توسعه یافته. این حوزه مطالعاتی با انتشار کتاب‌های مهم آرو (Arrow, 1951) ظهور یافت و با نظریه‌های بوکانان (Buchanan, 1986) که موفق به تصاحب جایزه نوبل اقتصاد شد، مورد توجه عموم قرار گرفت.

این نظریه درصدد است تا رفتار بخشی از مسئولان دولتی را که تلاش می‌کنند با موضع‌گیری در حوزه اقتصاد، مجدداً در انتخابات پیروز شوند و در قدرت باقی بمانند، توضیح دهد. شکل‌گیری این بحث به نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می‌گردد که در آن سال‌ها سعی شد تا مبانی رفتار متقابل دولت‌مردان و رأی‌دهندگان در زمان انتخابات پی‌ریزی شود. نتیجه این پی‌ریزی، ظهور دو رویکرد کلی زیر بود:

الف) مدل فرصت‌طلبی (Opportunistic Model): نوردهاوس (Nordhaus, 1975) این رویکرد را مطرح کرد. او چنین استدلال کرد که سیاست‌مداران حاکم در سال انتخابات، سیاست‌های انبساطی اقتصادی‌بازی را اتخاذ می‌کنند که با ایجاد رونق اقتصادی، شانسی

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۵۱

انتخاب مجدد خود را افزایش دهند؛ بنابراین، مدل فرصت‌طلبی تلاش می‌کند با استفاده از تابع هدف نامزدها، رفتار اقتصادی آن‌ها را در قالب دو گزینه کاهش تورم و اهتمام به ایجاد اشتغال (بحث منحنی فیلیپس) نشان دهد.

البته روگوف و سایبرت (Rogoff & Sibert, 1988) این مدل را با بحث «انتظارات عقلایی» مورد بازبینی قرار دادند و ویرایش جدیدی از آن را با فرض وجود انتظارات عقلایی مطرح کردند؛ به این معنا که رأی‌دهندگان درباب تورم به‌صورت عقلایی عمل می‌کنند و با استفاده از تمامی اطلاعات دست‌یافتنی و با نیم‌نگاهی به گذشته، آینده را تحلیل می‌کنند؛ لذا در شکل جدید مدل، نوعی نبود تقارن اطلاعات بین رأی‌دهندگان وجود دارد و در این حالت دولت مردان به خود اجازه نمی‌دهند که هر اقدام اغواگرانه‌ای را انجام دهند؛ زیرا افراد به‌صورت عقلایی رفتار آن‌ها را تحلیل کرده و تنها رفتارهای زمان نزدیک به انتخابات مبنای تصمیم‌گیری قرار نمی‌گیرد. در این حالت رأی‌دهندگان مطلوب بودن سطح انتظار خود را بالا می‌برند؛ حال آنکه رأی‌دهندگان در الگوی سنتی، تابع مطلوب بودن را صرفاً در زمان انتخابات به حداکثر می‌رسانند.

ب) **مدل پارتیزانی (Partisan Model):** این رویکرد را هیبس (Hibbs, 1977) مطرح کرد و دیدگاه او و در واقع ویرایشی با تغییرات اساسی از مدل فرصت‌طلبی چرخه‌های انتخاباتی است. در این مدل، چنین فرض شده که نظام سیاسی کشور متشکل از دو حزب است که هر کدام برنامه‌های خاص خود را دارند. گروه راست، بیشتر به مبارزه با تورم اهمیت می‌دهد و گروه چپ، بیشتر به بیکاری و رشد توجه دارد. طبق این مدل، نوسانات اقتصادی به حرکت هر یک از این دو حزب بر روی منحنی فیلیپس بستگی دارد (Dubois, 2016: 235).

اثر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت

پیکاک و وایزمن (Peacock & Wiseman, 1961) ضمن تأیید اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر اندازه دولت، با طرح نظریه «چرخ دنده‌ای رشد مخارج دولت» (The Ratchet Theory of Government Growth)، اندازه دولت را به تحولات سیاسی و انگیزه‌های احزاب سیاسی نسبت

می‌دهند. به زعم آنان، برخی شرایط زودگذر سیاسی به افزایش مخارج دولت منجر می‌گردد و با گذر از آن شرایط نیز مخارج دولت در سطحی بالاتر از سطح قبل باقی می‌ماند. در این بین، انتخابات نیز مرحله‌ای زودگذر از فرایند سیاسی حاکم بر کشورهاست که در سال برگزاری آن، احزاب و گروه‌های مختلف به منظور کسب رأی کافی به اتخاذ سیاست‌هایی روی می‌آورند که برای بیشتر افراد جامعه جذاب باشد و بتواند آرای بیشتری را نصیب آن‌ها کند (Romer & Rosenthal, 1979: 143). بهترین شیوه برای جلب رأی نیز ترکیب اقدامات ساختاری و ارائه دستاوردهای اقتصادی کوتاه‌مدت است؛ از این رو، عموم نامزدهای انتخاباتی معتقدند که رفتار رأی‌دهندگان و تصمیم آن‌ها به شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات از عوامل نزدیک به ایام انتخابات تأثیرپذیری بیشتری دارد؛ بنابراین هرگونه نارضایتی اقتصادی و اجتماعی در سال برگزاری انتخابات به شکل کاهش مشارکت و افت آرای نامزدها بروز خواهد کرد.

این گونه است که در سال انتخابات، سیاست‌های انقباضی که با نارضایتی عمومی همراه است، از دستور کار خارج و اجرای سیاست‌های انبساطی در دستور کار قرار می‌گیرد. این سیاست‌های انبساطی ممکن است از طریق افزایش هزینه‌های عمومی (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳) و یا پرداخت یارانه به بخش‌های مختلف اقتصاد (Ehrhart, 2013: 195 و 2470 Cerda & Vergara, 2007) صورت پذیرد. نتیجه آنکه سیاست‌مداران قبل از انتخابات برای اثبات صلاحیت خود و اقناع رأی‌دهندگان به مشارکت در انتخابات و دادن رأی به آن‌ها، هزینه بخش‌های مختلف را افزایش می‌دهند (Drazen Eslava, 2010: 39) که این امر خود به معنای افزایش اندازه دولت است.

پیشینه پژوهش

در این بخش، پیشینه مطالعات خارجی و داخلی پژوهش مرور و جنبه‌های نوآوری تحقیق بیان می‌گردد.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۵۳

انگل مایر، رویدر، استوازر و هینرینر (Englmaier, Roieder, Stowasser & Hinreiner, 2017) تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر قیمت برق در آلمان را طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۳ بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که قدرت سیاسی به‌منظور افزایش محبوبیت خود، قیمت برق را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در سال قبل از برگزاری انتخابات، کاهش یابد و در سه سال پس از انتخابات افزایش پیدا کند.

کانز ورن و دی‌لئون (Canes-Wrone & De Leon, 2014) با استفاده از مجموعه داده‌های ۱۶ کشور عضو OECD و ۵۶ کشور غیرعضو OECD تأثیر انتخابات و نااطمینانی ناشی از آن را بر اجزای تولید ناخالص داخلی بررسی کرده‌اند. نتیجه نشان داد نظریه چرخه سیاسی فرصت طلب که مبتنی بر رونق اقتصادی کوتاه‌مدت است، در دوره پیش از انتخابات مورد تأیید است. همچنین، نااطمینانی ناشی از انتخابات با افزایش مصرف خصوصی کالاهای بی دوام و خنثی‌سازی سرمایه‌گذاری، موجب کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود. البته این تأثیر در کشورهای با سطح توسعه سیاسی پایین‌تر بیشتر است.

مورازمی، ویگا و وییگا (Morozumi, Veiga & Veiga, 2014) اثر انتخابات بر سیاست‌های مالی دولت مرکزی در ۱۰۷ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۵ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که در برخی از محیط‌های سیاسی، مقامات حزب سیاسی حاکم در سال انتخابات، هزینه‌ها را افزایش و جایگزین سرمایه‌گذاری می‌کنند و مالیات (بیشتر مالیات بر درآمد) را کاهش می‌دهند؛ اما در دموکراسی‌های بالغ، دولت مرکزی در سال انتخابات بدون تغییر در سطح کل درآمد و هزینه، به تخصیص مجدد اجزای هزینه و درآمد خود می‌پردازد. به طور خاص، دولت‌ها هزینه کمک‌های مالی به واحدهای دولتی را از محل هزینه‌های سرمایه‌ای پرداخت می‌کنند. یا در ازای کاهش مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف را افزایش می‌دهند.

ابک و اولجر (Ebeke & Ölçer, 2013) با استفاده از داده‌های قوانین مالی ملی و برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول، رفتار متغیرهای مالی کشورهایی با درآمد پایین را در سال انتخابات و دو سال پس از انتخابات بررسی کرده‌اند. آن‌ها دریافتند که در سال انتخابات، مصرف دولتی افزایش معناداری دارد و این امر به کسری بالای بودجه منجر می‌شود؛ اما در دو سال پس از

انتخابات، سیاست مالی به صورت افزایش مالیات، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش مصرف دولتی تنظیم می‌گردد. بر این اساس، نتیجه گرفتند که انتخابات بر کشورهای هزینه‌های کلان اقتصادی تحمیل می‌کند و تنظیم سیاست‌های مالی انقباضی برای دو سال پس از انتخابات، سرمایه‌گذاری عمومی را تا حد زیادی قربانی می‌کند.

برندن و درازن (Brendera & Drazen, 2013) با استفاده از داده‌های ۷۱ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۷۲ رابطه بین انتخابات و ترکیب هزینه‌های دولت را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد جایگزینی رهبران هیچ اثر کوتاه‌مدت معناداری بر ترکیب مخارج دولت ندارد؛ اما در میان‌مدت، جایگزینی رهبران با تغییرات زیاد در ترکیب مخارج کشورهای توسعه‌یافته همراه است. همچنین، آن‌ها دریافتند که سال انتخابات در دموکراسی‌های تثبیت‌شده بیشتر از دموکراسی‌های جدید بر تغییر ترکیب مخارج دولت اثر دارد.

ابی‌زاده و یوسفی (Abizadeh & yosefi, 1988) عوامل مؤثر بر افزایش مخارج دولت در کانادا را بررسی کرده‌اند. در الگوی آن‌ها ابعاد سیاسی رشد مخارج دولت نیز منظور شده بود. نتایج نشان داد که درصد افراد لیبرال (شاخص جایگزین عامل سیاسی) بر اندازه دولت مؤثر است.

همچنین، به مطالعات کاتسیمی و سارانتیدس (Katsimi & Sarantides, 2012)، چانگ (Chang, 2008)، شی و اسونسون (Shi & Svensson, 2006) و پیرسون و تابلینی (Persson & Tabellini, 2003) می‌توان اشاره کرد که اثر انتخابات بر ترکیب هزینه‌های دولت را در سال انتخابات بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که سطح دموکراسی، قوانین انتخاباتی و میزان آگاهی مردم بر سیاست‌های اقتصادی دولت در سال انتخابات مؤثر است.

جدای از موارد بالا شناسایی عوامل مؤثر بر اندازه دولت و نیز بررسی تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر متغیرهای مختلف اقتصادی (به غیر از اندازه دولت) در داخل کشور، موضوع مطالعات متعدد بوده که در ادامه به مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۵۵

امیری و صمدیان (۱۳۹۹) تأثیر ادوار انتخاباتی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران را طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۴ بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که ادوار انتخاباتی (سال انتخابات و یک سال قبل از انتخابات) بر متغیرهای تورم و نرخ ارز اثرگذار است.

شاه‌آبادی، نیلفروشان و خالقی (۱۳۹۵) تأثیر چرخه‌های سیاسی بر میزان بیکاری در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۴ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که نامزدهای هر کشور فارغ از ایدئولوژی خود (راست‌گرا یا چپ‌گرا) سعی می‌کنند در سال انتخابات با افزایش فرصت‌های شغلی، کاهش بیکاری و گسترش فضای کسب‌وکار سهم بیشتری از رأی مردم را به دست آورند. همچنین، اثر متغیرهای دولت اقلیت و ائتلاف بر میزان بیکاری در کشورهای درحال توسعه به ترتیب مثبت و منفی و در کشورهای توسعه‌یافته بی‌معنا بوده است.

محسنی، آدوسی، خواستار و شعبانی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر چرخه چهارساله ریاست جمهوری ایران بر بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که میزان رشد بازده بورس تهران در سال اول دوره ریاست جمهوری، کاهش، در سال دوم افزایش، در سال سوم اوج افزایش و در سال چهارم بار دیگر کاهش یافته است.

حنیفی و غلاملو (۱۳۹۲) تأثیر چرخه سیاسی را بر حجم معاملات و نقدشوندگی بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که متوسط حجم معاملات و شاخص نقدشوندگی، از نظریه چرخه سیاسی تبعیت می‌کند؛ به عبارت دیگر، شاخص نقدشوندگی و متوسط حجم معاملات بورس در سال اول و دوم تصدی یک دولت، نسبت به دو سال پایانی تصدی آن دولت پایین‌تر است.

شاه‌آبادی، نظیری و نیلفروشان (۱۳۹۱) تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر رشد هزینه‌های بهداشت عمومی در دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۴ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر رشد هزینه‌های بهداشت عمومی در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه تأیید می‌شود. به این معنا که

سیاست‌مداران به امید کسب سهم بیشتری از آرای مردم، قبل از برگزاری انتخابات اقدام به افزایش هزینه‌های بهداشت عمومی کرده‌اند.

پورکاظمی، درویشی و شهیکی تاش (۱۳۸۶) تأثیر چرخه‌های سیاسی-تجاری بر کنترل میزان بیکاری و مقدار تورم در ایران را طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۶۸ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که دولت‌ها (که هر چهار سال یک بار انتخاب می‌شوند) در راستای کنترل میزان بیکاری، در دو سال اول، سیاست‌های انبساطی اتخاذ می‌کنند. در نتیجه، مقدار تورم افزایش می‌یابد؛ اما در دو ساله دوم با هدف انتخاب مجدد در دوره بعد، تلاش می‌کنند تا مقدار تورم را کاهش دهند.

همچنین اکبریان و کارکن (۱۳۹۲)، تقی‌نژاد عمران و شهروزی‌فر (۱۳۹۱) و فلاحی، خداپرست مشهدی، سلیمی‌فر و حق‌نژاد (۱۳۹۰) عوامل مؤثر بر اندازه دولت را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که متغیرهای جهانی‌شدن، بازبودن نظام مالی و تجاری، فساد، ناطمینانی اقتصاد کلان، درآمدهای نفتی، تورم، جمعیت و میزان شهرنشینی بر اندازه دولت مؤثر است. همان‌گونه که بررسی نتایج حاصل از مطالعات و تحقیقات پیشین نشان می‌دهد هرچند شناسایی عوامل مؤثر بر اندازه دولت و نیز بررسی اثر چرخه‌های انتخاباتی بر اجزای هزینه‌ای و درآمدی دولت نظیر هزینه‌های بهداشت عمومی، مخارج سرمایه‌ای و مصرفی دولت، مالیات بر درآمد و مصرف موضوع مطالعات متعدد بوده است؛ اما بررسی تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در مطالعات داخلی پیشینه زیادی ندارد و موضوع تحقیق حاضر از فضل تقدم برخوردار است.

روش‌شناسی تحقیق

نمونه آماری

نظر به اینکه تحقیق پیش‌رو از منظر عوامل سیاسی به بحث اندازه دولت ورود نموده است، کشورهای مورد مطالعه با توجه نمره شاخص دموکراسی (Democracy Index) منتشره توسط واحد اطلاعات اکونومیست (The Economist Intelligence Unit, 2018) در دو دسته جداگانه

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۵۷

توسعه‌یافته سیاسی و درحال توسعه سیاسی تقسیم‌بندی شده است. شایان ذکر است که شاخص دموکراسی با شصت مؤلفه فرعی و پنج مؤلفه اصلی شامل شیوه انتخابات، تکثرگرایی، آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی به ارزیابی سطح دموکراسی در ۱۶۷ کشور جهان می‌پردازد و به آن‌ها نمره‌ای بین صفر تا ده می‌دهد که نمره بین هشت تا ده در دسته دموکراسی کامل، نمره بین شش تا ۷/۹ در دسته دموکراسی شکننده، نمره بین چهار تا ۵/۹ در دسته بینابینی (حکومت‌های دوگانه) و نمره کمتر از چهار در دسته حکومت‌های اقتدارگرا قرار می‌گیرد. بر این اساس، گروه نخست از دوازده کشور منتخب درحال توسعه سیاسی شامل سه حکومت اقتدارگرا (آذربایجان، ایران و ونزوئلا)، چهار حکومت بینابینی (پاکستان، ترکیه، لبنان و هندوراس) و پنج حکومت با دموکراسی شکننده (آرژانتین، اکوادور، اندونزی، کلمبیا و مالزی) تشکیل شده است. گروه دوم نیز از دوازده دموکراسی کامل شامل آلمان، اتریش، استرالیا، انگلستان، ایسلند، دانمارک، سوئد، سوئیس، فنلاند، کانادا، نروژ و هلند تشکیل شده است. البته چون چرخه‌های انتخاباتی متغیر کلیدی تحقیق است، انتخاب کشورهایی مانند عربستان سعودی، کره شمالی، کوبا و ... که دولت‌مردان آنها با سازوکاری غیر از انتخابات تعیین می‌شود، منتفی گردید.

ارائه مدل و معرفی متغیرها

مدل این تحقیق با الهام از نظریه «چرخ دنده‌ای رشد مخارج دولت» پیکاک و وایزمن که اندازه دولت را به تحولات سیاسی، فرایندهای انتخاباتی و انگیزه احزاب سیاسی نسبت می‌دهد، پیش رفته است. مدل اقتصادسنجی مورد استفاده از نوع داده‌های تابلویی است که با هدف بررسی تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۲ ارائه گردیده است. این مدل به شکل لگاریتمی است و برای کشور i در زمان t برآورد می‌شود:

$$LGS_{it} = \beta_0 + \beta_1 LGS_{it-1} + \beta_2 LEY_{it} + \beta_3 LSI_{it} + \beta_4 LCOAL_{it} + \beta_5 LMG_{it} + \beta_6 LEG_{it} + \beta_7 LOPEN_{it} + \beta_8 LUP_{it} + \beta_9 LNR_{it} + \beta_{10} MI_{it} + U_{it} \quad (1)$$

LGS_{it} اندازه دولت یا همان متغیر وابسته تحقیق است. در مطالعات تجربی از شاخص‌های مختلفی به‌عنوان جایگزین اندازه دولت استفاده می‌شود که در تحقیق حاضر به پیروی از مطالعات هانگ (Huangm, 2006) و ابی‌زاده و یوسفی (۱۹۸۸) از نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. همچنین، LGS_{it-1} متغیر وابسته با وقفه و β_0 آثار ثابت کشوری یا همان عرض از مبدأهای ویژه هر مقطع است. متغیرهای مستقل مدل نیز عبارتند از:

چرخه‌های انتخاباتی که به پیروی از انگل مایر، رویدر، استوازر و هینرینر (۲۰۱۷)، مورازمی، ویگا و وییگا (۲۰۱۴)، ابک و اولجر (۲۰۱۳) و برندن و درازن (۲۰۱۳) در مدل تحقیق منظور شده و متغیر مستقل تحقیق است. این متغیر شامل چهار زیر شاخص سال انتخابات (EY)، (Election Year) ایدئولوژی دولت یا راست‌گرا و چپ‌گرایی دولت (GS) (State Ideology)، ائتلاف (COAL) (Coalition) و دولت اقلیت (MG) (Minority Government) است.

متغیر سال انتخابات، متغیری مجازی است و مطابق شاخص فرانزس (Franzese, 2000) به شرح معادله (۲) محاسبه می‌شود:

$$\text{Elrction}_{it} = \frac{(m - 1) + d/D}{12} \quad (2)$$

m ماه انتخابات، d روز انتخابات و D تعداد روزهای ماه انتخابات است. بر این اساس، شاخص سال انتخابات در سال‌های برگزارشدن انتخابات، ارزش صفر و در سال برگزاری انتخابات ارزش یک می‌پذیرد تا امکان بررسی تأثیر مستقیم سال انتخابات بر اندازه دولت فراهم شود. متغیر ایدئولوژی دولت طبق شاخص پوترافکه (Potrafke, 2009) محاسبه شده که مبانی آن بر اساس مطالعه بودج و ولدندراپ (Budge & Woldendrop, 1993) پی‌ریزی شده است. این شاخص به دولت‌های راست‌گرا و چپ‌گرا ارزشی بین یک تا پنج می‌دهد. به این صورت که با تصاحب بیش از دو سوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب راست‌گرا، ارزش یک؛ با تصاحب بین یک سوم تا دو سوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب راست‌گرا، ارزش

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۵۹

دو؛ با عدم تصاحب اکثر کرسی‌های مجلس توسط هیچ یک از احزاب راست‌گرا و چپ‌گرا (اکثریت مجلس با احزاب میانه‌رو)، ارزش سه؛ با تصاحب بین یک سوم تا دو سوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب چپ‌گرا، ارزش چهار و زمان تصاحب بیش از دو سوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب چپ‌گرا، ارزش پنج می‌گیرد.

متغیر ائتلاف نیز متغیری مجازی است. به این معنا که در صورت ائتلاف دو یا چند حزب در انتخابات، این شاخص عدد یک و با عدم ائتلاف احزاب عدد صفر می‌پذیرد.

متغیر دولت اقلیت نیز به صورت مجازی در مدل لحاظ شده است. به این صورت که با تصاحب اکثر کرسی‌های مجلس (۵۰ درصد +۱) توسط حزب حامی دولت، ارزش صفر و در صورت تصاحب کمتر از ۵۰ درصد کل کرسی‌های مجلس توسط حزب حامی دولت، ارزش یک می‌پذیرد. ضمناً داده‌های سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف و دولت اقلیت از پایگاه راهنمای انتخابات (www.Electionguide.org)، تقویم انتخابات (www.ndi.org)، دانشنامه ویکی‌پدیا (www.wikipedia.org) و داده‌های انتخابات (www.nsd.uib.no) استخراج شده است.

رشد اقتصادی (EG) (Economic Growth) به پیروی از گوکمن‌گلو و آلپ تکین (Gokmenoglu & Alptekin, 2013)، و نارایان، راث و نارایان (Narayan, Rath & Narayan, 2012) در مدل تحقیق منظور شده و انتظار می‌رود بر اندازه دولت تأثیر مثبت داشته باشد؛ زیرا رشد درآمد واقعی موجب افزایش نسبی کسب درآمدی مخارج فرهنگی و رفاهی می‌شود و از آنجا که کارایی بخش عمومی در زمینه آموزش و فرهنگ بیشتر است، به افزایش مخارج دولت و در نهایت اندازه دولت منجر می‌شود. شایان ذکر است که داده‌های رشد اقتصادی از پایگاه بانک جهانی (www.data.worldbank.org) استخراج شده است.

باز بودن اقتصاد (OPEN) (Openness) به پیروی از آیدوگاس و تاپکو (Aydogus & Topcu, 2013)، زکریا و شکور (Zakaria & Shakoore, 2011) و اپیفینی و گانسیا (Epifani & Gancia, 2009) در مدل تحقیق منظور شده و می‌تواند بر اندازه دولت تأثیر مثبت و یا منفی داشته باشد. معتقدان به تأثیر مثبت باز بودن اقتصاد بر اندازه دولت چنین استدلال می‌کنند که هر قدر

اقتصاد داخلی با دنیای خارج ارتباط بیشتری داشته باشد و در معرض خطرات تکانه‌های اقتصادی بین‌المللی قرار گیرد، در برابر نوسانات قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی (تکانه‌های ارتباط مبادله‌ای) آسیب‌پذیرتر خواهد بود؛ از این رو، دولت با اجرای برنامه‌های حمایتی در صدد جبران خطر این نوسانات بر زندگی شهروندان بر می‌آید و این اقدام با صرف مخارج چشمگیری همراه است و موجب افزایش هزینه‌های دولت و بزرگ شدن آن می‌گردد. این استدلال با عنوان «فرضیه جبرانی» (Compensation Hypothesis) شناخته می‌شود. در مقابل، «فرضیه کارایی» (Efficiency Hypothesis) معتقد است که دولت‌ها در واکنش به افزایش باز بودن اقتصاد، مالیات کمتری دریافت می‌کنند و به‌سختی کسری بودجه خود را تأمین می‌کنند؛ زیرا عوامل تولید با حرکت به سوی خارج از کشور، نارضایتی خود را از سیاست‌های مالیاتی اعلام می‌کنند و این سبب تخفیف سیاست‌های مخارجی دولت شده و اندازه دولت را کاهش می‌دهد. ضمناً از مجموع ارزش صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان جایگزین بازبودن اقتصاد استفاده شده و داده‌های آن از پایگاه بانک جهانی استخراج شده است.

میزان و درجه شهرنشینی (UP) (Urban Population) به پیروی از بناوچ و پاندی (Benarroch & Pandey, 2008)، گوپتا (Gupta, 2000) و تقی‌نژاد عمران و شهری‌فر (۱۳۹۱) در مدل تحقیق منظور شده و می‌تواند اندازه دولت را کاهش یا افزایش دهد؛ زیرا شهرنشینی از یک‌سو با ازدحام خارجی، پیچیدگی بیشتر ارتباطات جامعه و نیز برخی پیامدهای منفی مانند آلودگی محیط زیست توأم است؛ بنابراین، دولت با صرف مخارج بیشتر می‌کوشد الزامات قراردادی و قانونی این ارتباطات پیچیده را فراهم و پیامدهای منفی آن را کاهش دهد. به همین منظور، رشد شهرنشینی به افزایش هزینه‌های آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی منجر می‌گردد که به منزله افزایش اندازه دولت است. از سوی دیگر، رشد شهرنشینی با افزایش تراکم جمعیت و ایجاد صرفه‌های ناشی از مقیاس برای تولید کالاهای عمومی، اندازه دولت را کاهش می‌دهد. ضمناً از نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت به‌عنوان شاخص

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۶۱

جایگزین درجه شهرنشینی استفاده شده و داده‌های آن از پایگاه بانک جهانی استخراج شده است.

از شاخص فراوانی منابع طبیعی (NR) (Natural Resource) به پیروی از کولوگنی و مانرا (Cologni & Manera, 2013)، اکبریان و کارکن (۱۳۹۲) و فلاحی، خداپرست مشهدی، سلیمی فر و حق‌نژاد (۱۳۹۰) در مدل تحقیق استفاده شده و انتظار می‌رود بر اندازه دولت تأثیر مثبت داشته باشد؛ زیرا افزایش درآمد منابع طبیعی، مخارج عمرانی دولت را با هدف گسترش زیرساخت‌ها افزایش می‌دهد. همچنین، دسترسی به درآمد منابع طبیعی، سطحی از درآمد و مصرف را برای دولت ممکن می‌کند که با ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد سازگاری ندارد و به بوروکراسی ناکارآمد می‌انجامد که نتیجه آن افزایش هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی بابت افزایش استخدامی‌ها و خریدهای دولتی است. به علاوه، طبیعت پرنوسان و پیش‌بینی‌ناپذیر درآمد منابع طبیعی، بخش‌های مختلف اقتصاد را در معرض تکانه‌های بین‌المللی قرار می‌دهد و دولت با اجرای برنامه‌های حمایتی در جهت جبران خطر این نوسانات برمی‌آید که نتیجه آن افزایش مخارج دولت و به عبارتی افزایش اندازه دولت است. ضمناً از نسبت صادرات سوخت به کل صادرات کالایی به‌عنوان شاخص جایگزین فراوانی منابع طبیعی استفاده شده و داده‌های آن از پایگاه بانک جهانی استخراج شده است.

شاخص فلاکت (MI) (Misery Index) به پیروی از هان و مالیکان (Han & Mulligan, 2008) در مدل تحقیق منظور شده و انتظار می‌رود بر اندازه دولت تأثیر مثبت داشته باشد؛ زیرا تورم فزاینده و بیکاری رو به گسترش برای آحاد جامعه و به‌خصوص در گروه‌های آسیب‌پذیر هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد و نیاز به ارائه سیاست‌های حمایتی، افزایش مخارج دولت و درنهایت بزرگ‌تر شدن اندازه دولت دارد. ضمناً شاخص فلاکت حاصل جمع میزان بیکاری و مقدار تورم است و داده‌های مورد نیاز برای محاسبه آن از پایگاه بانک جهانی استخراج شده است.

برآورد مدل

روش داده‌های تابلویی به لحاظ مزایایی که نسبت به داده‌های مقطعی (Cross Section Data) و سری زمانی (Time Series) دارد، به طور فزاینده‌ای در تحقیقات اقتصادی استفاده می‌شود. از جمله اینکه در این روش نسبت به دو روش دیگر، قدرت آماری ضرایب افزایش می‌یابد؛ زیرا داده‌های تابلویی به‌واسطه ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، مشکل ناهمسانی واریانس (Heteroscedasticity) را محدود، همخطی (Collinearity) بین متغیرها را کاهش و به دلیل افزایش درجه آزادی، برآورد کاراتری انجام می‌دهد (Baltaghi, 2005: 4-7).

البته پیش از تخمین مدل باید ایستایی متغیرهای بررسی شود؛ زیرا استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی بر فرض ایستایی متغیرها استوار است و اگر از داده‌های نایستا در تخمین معادلات اقتصادسنجی استفاده شود و میانگین، واریانس و کواریانس متغیرها مستقل از زمان نباشد، آزمون‌های f و t و در نهایت استنتاج آماری معتبر نخواهد بود و احتمال دارد به رگرسیون کاذب منجر شود. بررسی ایستایی متغیرها در داده‌های تابلویی نیز به روش‌های متعدد انجام می‌شود که روش «دیکی- فولر تعمیم‌یافته» (Fisher - Augmented Deyki Fuller) از اقبال بیشتری نسبت به سایر روش‌ها برخوردار است؛ اما توان این آزمون اندک است و احتمال دارد که قادر به کشف ایستایی یک سری زمانی ایستا نباشد. همچنین، در موارد وجود شکست ساختاری در فرایند داده‌ها، ممکن است که آزمون دیکی- فولر تعمیم‌یافته به اشتباه سری ایستا را نایستا جلوه دهد؛ از این رو، تحقیق حاضر به منظور افزایش دقت نتایج تخمین، ضمن استفاده از آزمون دیکی- فولر تعمیم‌یافته، از آزمون ایستایی «هادری» (Hadri Stationary Test) نیز بهره برده و نتایج حاصل از این دو آزمون به تفکیک دو گروه از کشورهای منتخب در جدول یک مندرج گردیده است.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۶۳

جدول ۱: نتایج آزمون ایستایی متغیرها در کشورهای منتخب

متغیر	کشورهای منتخب در حال توسعه سیاسی					کشورهای منتخب توسعه‌یافته سیاسی				
	ADF		Hadri Stationary test		نتیجه	ADF		Hadri Stationary test		نتیجه
	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش		مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش	
G S	۳/۲۳	۰/۰۰	۵/۶۵	۰/۰۰	I(0)	-۳/۰۷	۰/۰۰	۸/۸۶	۰/۰۰	I(0)
E Y	۵/۸۶	۰/۰۰	۷/۴۲	۰/۰۰	I(0)	۵/۸۵	۰/۰۰	۹/۵۹	۰/۰۰	I(0)
GI	۵/۷۲	۰/۰۰	۷/۱۴	۰/۰۰	I(0)	-۶/۱۸	۰/۰۰	۲/۰۸	۰/۰۰	I(0)
C O A L	۴/۲۵	۰/۰۰	۶/۱۱	۰/۰۰	I(0)	-۵/۴۷	۰/۰۰	۶/۲۸	۰/۰۰	I(0)
M G	۴/۵۱	۰/۰۰	۶/۰۵	۰/۰۰	I(0)	-۴/۱۹	۰/۰۱	۸/۳۹	۰/۰۰	I(0)
E G	۴/۳۸	۰/۰۰	۶/۲۴	۰/۰۰	I(0)	-۷/۰۹	۰/۰۰	۷/۳۳	۰/۰۰	I(0)
O P E N	۶/۴۱	۰/۰۰	۸/۰۴	۰/۰۰	I(0)	-۶/۳۱	۰/۰۰	۶/۹۴	۰/۰۰	I(0)
U P	۷/۸۸	۰/۰۰	۹/۶۴	۰/۰۰	I(0)	-۷/۱۶	۰/۰۰	۵/۷۸	۰/۰۰	I(0)
N R	۳/۶۷	۰/۰۰	۵/۴۲	۰/۰۰	I(0)	-۷/۶۱	۰/۰۰	۵/۱۴	۰/۰۰	I(0)
M I	۲/۱۱	۰/۰۰	۴/۰۱	۰/۰۰	I(0)	-۶/۲۴	۰/۰۰	۶/۸۵	۰/۰۰	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش

فرایند بررسی ایستایی در روش‌های هادری و دیکی فولر تعمیم‌یافته چنین است که با نپذیرفتن فرضیه H_0 ، نایستایی متغیرها (فرض وجود ریشه واحد) رد می‌شود. نتایج حاصل از آزمون‌های مذکور نشان می‌دهد که فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای کلیه

متغیرهای به کار رفته در مدل رد می‌شود. در نتیجه متغیرها ایستا هستند و احتمال کاذب بودن رگرسیون برآوردی منتفی است.

حال، با توجه به اینکه داده‌های تابلویی (Panel Data) حاصل ترکیب داده‌های مقاطع مختلف (کشورهای منتخب) در طول زمان است، توانش ترکیب این داده‌ها باید از طریق آزمون F لیمر بررسی شود. با این توضیح که در این آزمون فرضیه H_0 توانش تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی (Pool Data) و فرضیه H_1 توانش تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی است. در این تحقیق، نتایج آزمون F لیمر در جدول دو نشان داد که احتمال برآوردی آماره F برای هر دو گروه از کشورهای منتخب کمتر از ۵ درصد است و لذا توانش تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی تأیید و آثار خاص هر یک از کشورها بر متغیر وابسته پذیرفته می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون توانش تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی

کشورهای منتخب توسعه سیاسی			کشورهای منتخب توسعه یافته سیاسی		
نتیجه	احتمال	آماره F	نتیجه	احتمال	آماره F
Panel data	۰/۰۰	۳۵/۴۳	Panel data	۰/۰۰	۴۲/۶۸

منبع: یافته‌های پژوهش

حال، با توجه به اینکه در مدل تابلویی پویا به واسطه اضافه شدن متغیر وابسته باوقفه، امکان استفاده از روش‌های تخمین معمولی مانند کمینه مربعات معمولی (Ordinary Least Squares)، کمینه مربعات متغیر مجازی (Last Squares Dummy Variable) و کمینه مربعات تعمیم‌یافته (Generalized Least Squares) وجود ندارد؛ زیرا جزء اخلاص با متغیر وابسته باوقفه همبستگی پیدا می‌کند و نتایج تخمین دچار تورش می‌شود. از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (Generalized Method of Moments) برای تخمین مدل استفاده شده که نتایج تخمین به تفکیک دو گروه از کشورهای منتخب در جدول سه دیدنی است.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۶۵

جدول ۳: نتایج تخمین مدل تحقیق

کشورهای منتخب توسعه‌یافته سیاسی	کشورهای منتخب در حال توسعه سیاسی	متغیر وابسته: اندازه دولت
ضریب (آماره t)	ضریب (آماره t)	متغیرهای توضیحی ▼
۰/۵۵*	۰/۹۲*	EY
(۲/۱۳)	(۳/۵۳)	
۰/۵۳**	۰/۹۶	GI
(۲/۵۸)	(۳/۴۱)	
۰/۲۶**	۰/۴۷**	COAL
(۳/۹۷)	(۱/۸۴)	
-۰/۱۲**	-۰/۴۹**	MG
(۱/۹۷)	(۳/۶۸)	
۰/۳۴*	۰/۴۵*	LGS _{it-1}
(۴/۱۸)	(۵/۳۷)	
۰/۵۲**	۰/۳۶***	LEG
(۷/۸۶)	(۹/۴۸)	
۰/۱۳***	۰/۲۷**	LOPEN
(۴/۷۵)	(۵/۹۳)	
۰/۴۵**	۰/۲۸***	LUP
(۸/۹۹)	(۶/۲۷)	
۰/۰۸	۰/۱۱*	LNR
(۲/۰۳)	(۳/۷۱)	
۰/۱۴**	۰/۰۴**	LMI
(۶/۱۱)	(۳/۱۲)	
۰/۰۰	۰/۰۰	chi2 (Prob)
۷/۳۴۶	۳/۳۲۵	Sargan test statistic
۱۹۲	۱۹۲	Number of obs
۱۲	۱۲	Number of groups

منبع: یافته‌های پژوهش [نشانه‌های *، ** و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ و اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.]

در جدول بالا، آماره سازگان حاصل بررسی اعتبار ماتریس ابزارها توسط آزمون سازگان است که مقدار احتمال بزرگتر از ۰/۰۵ درصد آماره آن به منزله عدم رد فرضیه صفر مبتنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص است. به عبارتی، ابزارهای مورد استفاده برای تخمین مدل تحقیق از اعتبار لازم برخوردارند.

بحث و بررسی

سال انتخابات در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات انگل مایر، رویدر، استوازر و هینرینر (۲۰۱۷)، مورامی، ویگا و وییگا (۲۰۱۴)، ابک و اولجر (۲۰۱۳) و برندن و درازن (۲۰۱۳) نیز سازگار است؛ زیرا در سال برگزاری انتخابات، سیاست‌های انقباضی که با نارضایتی عمومی همراه است، از دستور کار خارج و اجرای سیاست‌های انبساطی در دستور کار قرار می‌گیرد که به معنای افزایش اندازه دولت است.

البته تأثیر این متغیر در کشورهای منتخب در حال توسعه سیاسی بیشتر است که می‌تواند از آگاهی سیاسی عمومی کمتر در این کشورها ناشی شود که رفتارهای نزدیک به انتخابات دولتمردان و احزاب سیاسی بیشتر مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و سیاسیون نیز از این موضوع بیشترین استفاده را نموده و با اتخاذ سیاست‌های انبساطی بر میزان حضور مردم در انتخابات و رأی آنها تأثیر می‌گذارند.

ایدئولوژی دولت بر اندازه دولت در کشورهای منتخب توسعه‌یافته سیاسی تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات مورامی، ویگا و وییگا (۲۰۱۴)، ابک و اولجر (۲۰۱۳) و برندن و درازن (۲۰۱۳) نیز سازگار است؛ زیرا افزایش سهم احزاب چپ‌گرا از قدرت، موجب تمرکز بیشتر بر حل مسئله بیکاری و رشد می‌شود و مبارزه با تورم از اولویت خارج می‌شود؛ بنابراین اجرای سیاست‌های انبساطی با هدف کاهش میزان بیکاری و افزایش رشد اقتصادی به افزایش اندازه دولت منجر می‌شود. اما تأثیر این متغیر بر اندازه دولت در کشورهای منتخب در حال توسعه سیاسی بی‌معنا است؛ زیرا برخلاف کشورهای توسعه

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۶۷

یافته سیاسی که احزاب، آیین‌نامه مدونی دارند و مرزبندی بین احزاب راست‌گرا و چپ‌گرا مشخص است و در زمان به قدرت رسیدن، الگوی رفتاری مشخصی از خود بروز می‌دهند. در کشورهای درحال توسعه سیاسی این گونه نیست و رفتار احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا در مواجهه با مسائل مختلف از جمله انتخابات و هزینه منابع عمومی تفاوت چندانی ندارد.

ائتلاف در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات مورازمی، ویگا و وییگا (۲۰۱۴)، ابک و اولجر (۲۰۱۳) و بردن و درازن (۲۰۱۳) نیز سازگار است؛ زیرا ائتلاف احزاب سیاسی، فرایند طرح و تصویب رشد مخارج دولتی را تسهیل می‌کند. البته تأثیر این متغیر در کشورهای منتخب درحال توسعه سیاسی بیشتر است؛ زیرا در این کشورها، احزاب مرزبندی روشنی ندارند و در هنگام ائتلاف بیشتر در هیأت جبهه سیاسی ظاهر می‌شوند و انگیزه تقابل با جبهه مخالف سبب چشم‌پوشی از منافع حزبی می‌شود و این امر دست دولتمردان حزب حاکم در افزایش مخارج دولتی را بازتر می‌کند.

دولت اقلیت در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر منفی و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات مورازمی، ویگا و وییگا (۲۰۱۴)، ابک و اولجر (۲۰۱۳) و برندر و درازن (۲۰۱۳) نیز سازگار است؛ زیرا تصاحب اکثر کرسی‌های مجلس توسط احزاب مخالف دولت، مانع اقدام دولت برای رشد مخارج دولتی شده و به کاهش اندازه دولت می‌انجامد. البته تأثیر این متغیر در کشورهای منتخب درحال توسعه سیاسی بیشتر از کشورهای منتخب توسعه‌یافته است؛ زیرا نظام سیاسی اغلب کشورهای منتخب توسعه‌یافته سیاسی از نوع پارلمانی است و دولت اقلیت کمتر مجال ظهور می‌یابد؛ اما نظام سیاسی غالب کشورهای منتخب درحال توسعه سیاسی از نوع ریاستی است و رئیس دولت با رأی مستقیم مردم انتخاب شده و برآمده از رأی پارلمان نیست؛ بنابراین امکان شکل‌گیری دولت اقلیت بیشتر است و این ناهمسویی بین دولت و پارلمان سبب می‌شود فرایند افزایش مخارج دولتی با موانع بیشتری همراه باشد.

رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات گوکمنگلو و آلپ تکین (۲۰۱۳) و نارایان، راث و نارایان (۲۰۱۲) نیز مطابقت دارد؛ زیرا افزایش رشد اقتصادی موجب افزایش نسبی کسش درآمدی مخارج فرهنگی و رفاهی شده و از آنجا که کارایی بخش عمومی در زمینه آموزش و فرهنگ بیشتر است، به رشد مخارج دولتی و افزایش اندازه دولت منجر شده است.

بازبودن اقتصاد در هر دو گروه از کشورهای منتخب تأثیر مثبت و معناداری بر اندازه دولت داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات آیدوگاس و تاپکو (۲۰۱۳)، زکریا و شکور (۲۰۱۱) و ایفینی و گانسیا (۲۰۰۹) همخوانی دارد؛ زیرا رشد تجارت خارجی آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر نوسانات قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی (تکانه‌های ارتباط مبادله‌ای) را بیشتر نموده و دولت با صرف مخارج چشمگیر و اجرای برنامه‌های حمایتی در صدد جبران خطر این نوسانات بر زندگی شهروندان برآمده که به افزایش مخارج دولتی و بزرگ شدن دولت انجامیده است.

میزان شهرنشینی در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات گوپتا (۲۰۰۰) و تقی‌نژاد عمران و شهروزی‌فر (۱۳۹۱) نیز همخوانی دارد؛ زیرا شهرنشینی با ازدحام خارجی، افزایش پیچیدگی ارتباطات جامعه و برخی پیامدهای منفی مانند آلودگی محیط زیست همراه است؛ بنابراین دولت با صرف مخارج بیشتر درصدد تنظیم الزامات قراردادی و قانونی این ارتباطات پیچیده و کاهش پیامدهای منفی آن برآمده؛ در نتیجه رشد شهرنشینی از طریق افزایش هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و تأمین اجتماعی سبب افزایش اندازه دولت شده است.

فراوانی منابع طبیعی در کشورهای درحال توسعه سیاسی بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات کولوگنی و مانرا (۲۰۱۳)، اکبریان و کارکن (۱۳۹۲) و فلاحی، خداپرست مشهدی، سلیمی فر و حق‌نژاد (۱۳۹۰) نیز همخوانی دارد؛ زیرا افزایش درآمد بخش منابع طبیعی موجب رشد مخارج عمرانی دولت برای گسترش زیرساخت‌ها می‌شود. همچنین، افزایش درآمد منابع طبیعی، سطحی از درآمد و مصرف را

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۶۹

برای دولت ممکن می‌کند که با ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد سازگاری ندارد و این به ایجاد بوروکراسی ناکارآمد و افزایش هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی می‌انجامد. به علاوه، طبیعت پرنوسان و پیش‌بینی‌ناپذیر درآمد منابع طبیعی، بخش‌های مختلف اقتصاد را در معرض تکانه‌های بین‌المللی قرار داده و دولت با اجرای برنامه‌های حمایتی در جهت جبران خطر این نوسانات بر می‌آید که نتیجه آن افزایش مخارج دولتی است؛ اما تأثیر این متغیر بر اندازه دولت در کشورهای توسعه‌یافته سیاسی بی‌معناست؛ زیرا در این کشورها بخش منابع طبیعی و به‌طور مشخص نفت و گاز لزوماً در قبضه دولت نیست که افزایش و کاهش درآمدهای ناشی از آن به افزایش مخارج بخش دولتی منجر گردد. به علاوه، حتی اگر این منابع در اختیار دولت باشد، دولت به این منابع همچون ثروت عمومی نگاه می‌کند و به علت کیفیت نهادی مطلوب و سیاست‌گذاری باثبات، از درآمدهای ناشی از منابع طبیعی در قالب بودجه‌های سنواتی که به افزایش بی‌رویه مخارج دولت می‌انجامد، استفاده نمی‌کند.

شاخص فلاکت در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت تأثیر مثبت و معنادار داشته که با مبانی نظری و نتیجه مطالعه هان و مالیگان (۲۰۰۸) نیز تطابق دارد؛ زیرا تورم فزاینده و بیکاری رو به گسترش با تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراوان به آحاد جامعه و به‌خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر همراه است و این به ارائه سیاست‌های حمایتی از آن‌ها می‌انجامد و در درازمدت موجب افزایش مخارج دولتی و در نهایت اندازه دولت می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

از آنجا که دولت به‌واسطه توانایی در اعمال قدرت سیاسی و نقش مهمش در پیشبرد سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در صحنه‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند در قامت بستر ساز رشد و توسعه اقتصادی ظاهر شود و شواهد تجربی در کشورهای صنعتی شده متأخر مانند کره جنوبی و مالزی نیز نشان داده است، دولت با اجرای کیفی و اثربخش سیاست‌های

پیش‌بینی شده و مصوب، نقش بسزایی در حل مشکلات و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و نیل به فرایند رشد و توسعه اقتصادی دارد.

تحقیق پیش‌رو به بررسی اثر چرخه‌های انتخاباتی (سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف و دولت اقلیت) بر اندازه دولت در دو گروه از کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه سیاسی طی دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۲ پرداخته که پیش از این مغفول مانده بود. در پایان با توجه به اینکه نتایج نشان داد سال انتخابات و ائتلاف در هر دو گروه از کشورهای منتخب بر اندازه دولت اثر مثبت و معنادار و دولت اقلیت بر اندازه دولت در هر دو گروه از کشورهای منتخب اثر منفی و معناداری دارد؛ پیشنهاد می‌شود کشورهای در حال توسعه سیاسی برای افزایش درجه استقلال نهادهای مالی و پولی، نسبت به تقویت نقش نظارتی پارلمان بر عملکرد قوه اجرایی و تدوین برنامه جامع برای نظارت بر شیوه‌های تأمین مالی نامزدهای انتخاباتی به‌خصوص سیاستمداران حاکم اقدام کنند. از طرفی، از طریق گسترش آموزش همگانی و ارتقای دانش سیاسی جامعه، سطح تأثیرپذیری رأی‌دهندگان از اقدامات عامه‌پسند و اغواگرانه دولتمردان در سال انتخابات را به کمینه برسانند تا تغییر برنامه‌ها و ترکیب مخارج دولت در سال انتخابات با موانع اجتماعی، اقتصادی و قانونی همراه شود و موجب افزایش اندازه دولت و کاهش اثربخشی خدمات دولتی نشود.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از نقطه نظرات داوران محترم که در تکمیل این مقاله نقش بسزایی داشته‌اند، کمال تشکر را داشته باشند.

منابع

اکبریان، رضا و کارکن، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)، ۱۳(۴۸)، ۱۰۷-۷۹.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب... (ابوالفضل شاه‌آبادی و همکاران) ۳۷۱

امیری، حسین و صمدیان، فرزانه (۱۳۹۹). تأثیر وقوع ادوار انتخاباتی بر فضای کلان اقتصاد؛ مطالعه موردی ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۵(۲)، ۰-۰.

پورکاظمی، محمدحسین؛ درویشی، باقر و شهیکی‌تاش، محمدنبی (۱۳۸۶). سیکل‌های تجاری-سیاسی (مطالعه موردی کشور ایران). *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، ۴(۴)، ۱۶۰-۱۳۷.

تقی‌نژاد عمران، وحید و شهروزی‌فر، زهرا (۱۳۹۱). اثر بازبودن تجاری بر اندازه دولت: مطالعه موردی گروه کشورهای با درآمد متوسط پایین ۲۰۰۶-۲۰۰۰. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۷(۶۵)، ۱۸۴-۱۶۷.

حنیفی، فرهاد و غلاملو، قاسم (۱۳۹۲). بررسی تأثیر چرخه سیاسی بر حجم معاملات و نقدشوندگی. *فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری*، ۳(۱۰)، ۱۶۶-۱۵۱.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نظیری، محمدکاظم و نیلفروشان، نیما (۱۳۹۱). تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر رشد هزینه‌های بهداشت عمومی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته (۲۰۱۰-۱۹۹۴). *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۳(۹)، ۱۱۵-۹۳.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نیلفروشان، نیما و خالقی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر نرخ رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۰(۴)، ۲۹-۳.

فلاحی، محمدعلی؛ خداپرست مشهدی، مهدی؛ سلیمی‌فر، مصطفی و حق‌نژاد، امین (۱۳۹۰). ارتباط میان رشد اقتصادی و اندازه دولت در کشورهای منتخب عضو اوپک: یک تجزیه و تحلیل چند متغیره با استفاده از تکنیک‌های پانل دیتا. *فصلنامه اقتصاد مقابله‌ای*، ۸(۲)، ۹۴-۷۹.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۴). مفهوم‌بندی وبری دولت. *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۱(۱)، ۸۰-۵۷.

محسنی، قاسم؛ آدوسی، حسین؛ خواستار، حمزه و شعبانی، مرجان (۱۳۹۲). بررسی اثر چرخه ریاست جمهوری ایران بر بازده بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه تحقیقات مالی*، ۱۵(۱)، ۱۰۸-۹۵.

References

- Abizadeh, S. & Yusuf, M. (1988). Growth of government expenditure: The case of Canada. *Public Finance Quarterly*, 16(1), 78-100.
- Afonso, A. & Jalles, T. J. (2011). Economic performance and government size. *EXB Working Paper Series*, No1399.
- Akbarian, R. & Karkon, M (2013). The relation between openness and government size. *Journal of Economics Research*, 13(48), 79-107. (In Persian)
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons Inc, 3rd Edition, New York, USA.

- Amiri, H. & Samadian, F. (2020). The impact of electoral cycle occurrence on macroeconomic environment: Case study of Iran. *Planning and Budgeting Quarterly*, 25(2), 3-24. (In Persian)
- Arrow, K. J. (1951b, 2nd ed. 1963). Social choice and individual values. *Wiley, New York*.
- Aydogus, I. & Topcu, M. (2013). An investigation of co integration and causality between trade openness and government size in Turkey. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 3(2), 319-323.
- Benarroch, M. & Pandey, M. (2008). Trade openness and government size. *Journal of Economics Letters*, 101; 157-159.
- Brender, A. & Drazen, A. (2005). Political budget cycles in new versus established democracies. *Journal of Monetary Economics*, 52(7), 1271-1295.
- Brender, A. & Drazen, A. (2013). Elections, leaders, and the composition of government spending. *Journal of Public Economics*, 97(1), 18-31.
- Budge, I & Woldendorp, H. (1993). Political data 1945-1990: Party government in 20 democracies. *European Journal of Political Research*, 24(1), 1-119.
- Canes-Wrone, B. & De Leon, C. P. (2014). Elections, uncertainty, and economic outcomes, April 2014, Seminar Presentations at the University of British Columbia and Vancouver.
- Cerda, R. & Vergara, R. (2007). Government subsidies and presidential election outcomes: evidence for an evolving country. *World Development*, 36(11), 2470-2488.
- Chang, E. C. (2008). Electoral incentives and budgetary spending: Rethinking the role of political institutions. *Journal of Politics*, 70(4), 1086-1097.
- Cognigni, A. & Manera, M. (2013). Exogenous oil shocks, fiscal policy and sector reallocation in oil producing countries. *Energy Economics*, 35(C), 42-57.
- Drazen, A. & Eslava, M. (2010). Electoral manipulation via voter-friendly spending: Theory and evidence. *Journal of Development Economics*, 92(1), 39-52.
- Dubois, E. (2016). Political business cycles 40 years after Nordhaus. *Public Choice*, 166(1-2), 235-259.
- Ebeke, C. & Ölçer, D. (2013). Fiscal policy over the election cycle in Low-Income Countries. 2013IMF Working Papers, 13(153), 1-24.
- Ehrhart, H. (2013). Elections and the structure of taxation in developing countries. *Public Choice*, 156(1-2), 195-211.
- Englmaier, F., Roider, A., Stowasser, T. & Hinreiner, L. (2017). Power Politics: Electoral Cycles in German Electricity Prices. <<https://www.econstor.eu/bitstream/10419/168267/1/VfS-2017-pid-3503.pdf>>.
- Epifani, P. & Gancia, G. (2009). Openness, government size and the terms of trade. *The Review of Economic Studies*, 76 (2), 629-668.
- Falahi, M. A., Khodaparast Mashhadi, M., Salimifar, M. & Haghnejad, A. (2011). Relationship between economic growth and government size in selected OPEC countries: A multivariate analysis using panel data techniques. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 8(2), 79-94. (In Persian)
- Franzese, R. (2000). *Electoral and partisan manipulation of public debt in developed democracies, 1956-1990. Institutions, Politics and Fiscal Policy*. Kluwer Academic Press, Dordrecht, 61-83.
- Gokmenoglu, K. & Alptekin, V. (2013). *Re-examination of Wagner's law for OECD countries*. Annals of the constantin Brancusi University of Targu Jiu, Economy Series Issue 1/2013, Academica Brancusi Publisher, ISSN 1844-7007.
- Golmohammadi, A. (2015). Weberian definition of the State. *Quarterly the State Studies*, 1(1), 58-80. (In Persian)
- Gupta, K. (2000). *An inquiry in to determinants of size in developing countries and related issues of socioeconomic development*, State University New York at Stony Brook.
- Han, S. & Mulligan, C. B. (2008). Inflation and the size of government. *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 90(32), 245-267.

- Hanifi, F. & Gholamlou, G. (2014). The effect of the political cycle on the Tehran Stock market trading volume and liquidity. *Investment Knowledge Quarterly*, 3(10), 151-166. (In Persian)
- Huang, C. J. (2006). Government expenditure in China and Taiwan: Do they follow Wagner's Law? *Journal of Economic Development*, 31(2), 139-148.
- Hibbs J, D. A. (1977). Political parties and macroeconomic policy, *American Political Science Review*, 71(4), 1467-1487.
- Katsimi, M. & Sarantides, V. (2012). Do elections affect the composition of fiscal policy in developed, established democracies? *Public Choice*, 151(1-2), 325-362.
- Mohseni, G., Adousi, H., Khastar, H. & Shabani, M. (2013). The effects of presidential cycle on stock market returns in Tehran Stock Exchange. *Financial Research*, 15(35), 95-108. (In Persian)
- Morrozumii, A., Veiga F.J. & Veiga, L. G. (2014). *Electoral effects on the composition of public spending and revenue: Evidence form a large panel of countries*. Discussion Papers 2014/16, University of Nottingham, Centre for Finance, Credit and Macroeconomics (CFCM).
- Narayan, S., Rath, B. N. & Narayan, P.K. (2012). Evidence of Wagner's Law from Indian States. *Economic Modelling* 29(5), 1548-1557.
- Nordhaus, W. D. (1975). The political business cycle, *Review of Economic Studies*, 42(2), 169-19.
- Peacock, A. T. & J. Wiseman. (1961). *The growth of public expenditure in the United Kingdom*, Princeton: Princeton University Press.
- Persson. T. & Tabellini. G. (2003). Do electoral cycles differ across political systems? *Working Paper*, Stockholm University and Bocconi University.
- Pourkazemi, M. H., Darvishi, B. & Shahikitash, M. N. (2007). Political business cycle (case study of Iran). *Economic Studies*, 4(4), 137-160. (In Persian)
- Potrafke, N. (2009). Did globalization restrict partisan politics? An empirical evaluation of social expenditures in a panel of OECD countries. *Public Choice, Springer*, 140(1), 105-124.
- Rogoff, K. & Sibert, A. (1988). Elections and macroeconomic policy cycles. *Review of Economic Studies*, 55(1), 1-16.
- Romer, T. & Rosenthal, H. (1979). The elusive median voter. *Journal of Public Economics*, 12(2), 143-170.
- Shahabadi, A., Naziri, M. K. & Nilforoushan, N. (2012). The effect of electoral cycles on the growth of public health expenditures in selected developing and developed countries (1994-2010). *Journal of Economic Modeling Research*, 3(9), 95-116. (In Persian)
- Shahabadi A., Nilforoushan, N. & Khaleghi M. (2016). The effect of political cycle on unemployment growth rate in selected developed and developing countries. *Planning and Budgeting Quarterly*, 20(4), 3-30. (In Persian)
- Shi, M. & Svensson, J. (2006). Political budget cycles: Do they differ across countries and why? *Journal of Public Economics*, 90(8-9), 1367-1389.
- Taghinezhad Omran's, V. & Shahroozifar, Z. (1391). The impact of trade openness on government size: The case study of lower middle income country group (2000-2006). *Iranian Journal of Trade Studies*, 17(65), 167-180. (In Persian)
- Zakaria, M. & Shakoor, S. (2011). Relationship between government size and trade openness: Evidence from Pakistan. *Transition Studies Review*, 18(2), 328-341.